



۵۴



روایت زندگی حسین رستمیان تودرباری، بازیگر پیشکسوت مشهدی
از امید بخشی در جبهه تا شاد کردن سالمندان

هنرمندی که هرگز بازنشسته نشد

عکس: فهیمه فرخی/شهرآرا

تجمع آب‌های سطحی در محله فردوسی
معاير را به منجلا ب تبدیل کرده است
بحران بهداشت
در نبود جدول کشی

۳

درختان بوستان سیدرضی
به دست قدیمی‌های محله کاشته شده است
«مینا»، یادگاری از گذشته

۷



۶

مرتضی عاقل از خاطرات کودکی اش در محله جاهد شهر
و بازی فوتبال روی آسفالت داغ می‌گوید

وقتی معبر ۲۴ متری
تنها ورزشگاه محله بود



برای پیوستن به کانال شهرآرا محله
منطقه ۱۱ و ۱۲ کد بالا را اسکن کنید

شما می توانید اخبار کوچه و خیابان خود را به شماره ۰۹۳۶۰۶۷۲۶۰ در پیام رسان ایتا بفرستید.

شما چه خبر

تعمیر کولر خانه سالمندان با ما

گروهی از جوانان فعال محله شهید رضوی، در دو هفته اخیر با اقدامی زیبا، کولرهای آبی منزل ساکنان سالمند محله را سرویس و راه اندازی کردند. این کار انسان دوستانه به همت جوانان هیئت عشاق الحسین (ع) انجام می شود و تاکنون این خدمت به ۲۵ خانواده ارائه شده است. ۶ جوان محلی که صاحب تجربه و تخصص در این حوزه هستند، این اقدام را آغاز کرده اند. تعویض پوشال، جرم زدایی دیواره ها، تنظیم محور و تسمه ها و تعمیر پمپ آب، از جمله اقداماتی است که این جوانان برای راه اندازی کولرها انجام داده اند.



باشگاه مسجد محله دانشجو، مهیای تابستان

بهشتی به همت خیران، فعالان محلی و اهالی مسجد امیرالمؤمنین (ع)، تاتامی سالن ورزشی این مجموعه نوسازی شد. این اقدام زیبا در آستانه فرارسیدن فصل تابستان و اوقات فراغت کودکان و نونهالان، خبر خوبی برای بچه های محله دانشجو است. برای نوسازی تاتامی سالن ورزشی مسجد، حدود هفتاد قطعه پارزی با کیفیت تهیه شد تا ایمنی لازم برای ورزش بچه ها فراهم باشد. با این اقدام، سالن ورزشی مسجد در تابستان پیش رو برای برگزاری تمرینات و مسابقات رشته های کاراته، بوکس، جودو و ژیمناستیک مهیاست.



روایت دهه نودی های زیباشهر از دهه ۶۰

تعدادی از نونهالان و نوجوانان دهه نودی محله زیباشهر، این روزها با یک نمایش کمدی از زندگی در دهه ۶۰، خنده را روی لب اهالی محلات مختلف می آورند. این نمایش با همکاری مشترک فعالان فرهنگی مساجد امام حسن مجتبی (ع)، امیرالمؤمنین (ع) و فاطمه (س) تدارک دیده شده است و دوشب در هفته در نقاط پرتعداد از جمله پارک ملت، بوستان های محلی و مساجد روی صحنه می رود. اعضای مؤسسه تربیتی رشد، این ایده را با هدف بروز خلاقیت بچه های محله و همچنین سرگرم کردن آن ها در ایام فراغت تدارک دیده اند.



تابستان آموزشی در مسجد محله دانش آموز

اهالی مسجد حضرت زهرا (س) محله دانش آموز، برنامه آموزشی مفصلی برای اوقات فراغت بچه های محله در تابستان تدارک دیده اند. با توجه به تعطیلات پر شمار مدارس در سال تحصیلی اخیر و همچنین مجازی شدن آموزش ها، با برنامه ریزی صورت گرفته در این مسجد، دانش آموزان در تابستان پیش رو فرصت دارند نقاط ضعف تحصیلی خود را برطرف کنند. کلاس های مسجد برای سه پایه سوم تا ششم ابتدایی و متوسطه اول تدارک دیده شده است و برای ارائه خدمات آموزشی مطلوب از معلمان باتجربه استفاده می شود.

رقابت ورزشی به یاد فرشتگان میناب

دختران فوتسالیست منطقه ۱۱، به یاد فرشتگان شهید مدرسه طيبة شجره میناب، رقابتی یک روزه را تدارک دیدند. این مسابقات به میزبانی سالن ورزشی مادر و کودک و با حمایت شهرداری منطقه با حضور دختران کمتر از چهارده سال برپا شد. در پایان رقابت ها از هر چهار تیم شرکت کننده قدردانی و یاد و خاطره ۱۶۸ شهید مدرسه میناب گرامی داشته شد.

بچه هادر عصرانه فرهنگی پارک ملت

به همت مدیریت بوستان ملت، عصرانه های فرهنگی ویژه کودکان در پارک قدیمی شهر برپا شده است. در این برنامه که هر روز از ساعت ۱۷ و در ضلع جنوبی بوستان آغاز می شود، کودکان می توانند با بازی های گروهی، نقاشی، مسابقه و... سرگرم شوند. این برنامه با هدف ایجاد لحظاتی شاد و پرنرژی برای کودکان، تانیمه تیرماه تدارک دیده شده است.

مقاوم سازی فضای سبز منطقه، در مقابل آفات

هم زمان با فرارسیدن فصل گرما و برای جلوگیری از گسترش آفات و حفظ سلامت درختان و بوستان ها، سم پاشی فضای سبز منطقه انجام شد. به همت اداره فضای سبز منطقه ۱۱، در یک هفته گذشته باغبان ها، ۲۵ هزار اصله درخت، ۱۵ هزار متر مربع گل دائمی و ۴۰ هزار متر مربع پرچین را سم پاشی کردند.

شهر خبر

۱۱



شهردار منطقه ۱۱ از ادامه یافتن طرح جداسازی شبکه آبیاری فضای سبز از آب خام خبر داد

تضمینی برای

سلامت آب

مصرفی شهروندان

پروژه جداسازی شبکه آبیاری فضای سبز منطقه ۱۱ از آب خام، در سال ۱۴۰۵ و در بخشی از معابر منطقه اجرایی خواهد شد. شهردار منطقه ۱۱ با اعلام این خبر گفت: با توجه به ضرورت استفاده بهینه از منابع آبی کشور، پروژه جداسازی شبکه آبیاری فضای سبز منطقه در پهنه ای که از پیش تعیین شده است، ادامه خواهد یافت.

علی زینت بخش ادامه داد: این پروژه استمرار اقدامات ارزشمند سال های گذشته است و امسال بودجه ای ۲۵۰ میلیارد ریالی به این حوزه اختصاص یافته است که فضای سبز بولوارهای آموزگار، امامت و معلم را پوشش خواهد داد.

او اضافه کرد: در سال های گذشته، این پروژه در بولوارهای سید رضی، دانشجو و فرهنگ اجرا شده و مجموع این اقدامات، نشان دهنده تعهد مجموعه مدیریت شهری به کنترل تاب آوری جامعه در برابر چالش های آبی است.

زینت بخش در پایان افزود: جداسازی خطوط آبیاری فضای سبز و آب خام، تضمین کننده سلامت آب مصرفی شهروندان و حذف آلودگی های احتمالی است که این ها از مزایای اجرای طرح است.



تجمع آب های سطحی در محله فردوسی
معاير را به منجلاب تبدیل کرده است

بحران بهداشت در نبود جدول کشی

حسین برادران فرا باران های بهاری امسال طراوت و زیبایی خاصی به محلات شهر داده اما در کنار آن مشکلاتی نیز به دنبال داشته است. فردوسی، یکی از محلات منطقه ماست که اهالی از وضعیت نامناسب کانال ها و جدول آن به دلیل تجمع آب های سطحی در محله، شاکی هستند. معاير فردوسی ۱۷، ۱۹ و ۲۱ فاقد جدول کشی هستند و آب جدول سایر معاير نیز در نهایت به زمین های رها شده انتهای خیابان هدایت و تبدیل به منجلاب می شود.



کثیف انباشته شده هم فکری کرد. بچه های کوچک نزدیک همین محل فوتبال بازی می کنند و در معرض انواع بیماری های خطرناک قرار دارند. تنها راه حل برطرف کردن مشکل، کانال کشی و انتقال این آب ها به بیرون از محله است.

● به خاطر آبروی فرهنگی محله

بخشی زیادی از آب های سطحی جمع شده در خیابان، فاضلاب خانگی است که توسط شهروندان رها شده است. علی محمدی، یکی از شهروندان ساکن خیابان فردوسی، می گوید: متأسفانه برخی از همسایه ها مراعات نمی کنند و آب حاصل از ظرف شویی و حمام را به خیابان رها می کنند. ما بارها سر این موضوع با هم جروبحث داشته ایم. به یکی از همسایه ها پیشنهاد کردم چاهی در خانه اش بکند و حتی هزینه تخلیه چاه را من پرداخت کنم اما باز هم کار خودش را انجام می دهد!

محمدی با نشان دادن مسیر اصلی کهن دژ که در مسیر خیابان فردوسی قرار دارد، می افزاید: هر روز تعداد زیادی گردشگر خارجی و داخلی از این مسیر به سمت کهن دژ می روند. حداقل به خاطر حفظ آبروی این منطقه توریستی، کاری انجام بدهید.

● برخورد قانونی با رهاکنندگان فاضلاب خانگی

درباره مشکل مطرح شده با رئیس ناحیه منفصل توس گفت وگو می کنیم. محمد سالار می گوید: در خصوص انتقال آب های سطحی ناشی از بارندگی به بیرون از محله، اجازه و مجوز میراث فرهنگی برای حفاری، لازم است. تاکنون چنین مجوزی داده نشده است و پیگیری ها در این زمینه ادامه دارد.

وی درباره فاضلاب خانگی رها شده توسط شهروندان نیز بیان می کند: درباره این موضوع جلساتی با شورای بهداشت محله داشته ایم و برخورد قانونی و قاطع انجام خواهد شد.

● اجرای راه حل های موقت

شهروندانی که همراه ما هستند، از راه حل های موقت شهرداری برای مقابله با آب افتادگی معاير در زمان بارندگی های بهاری گلایه مندند. زهرا زارع، یکی از اهالی ساکن خیابان فردوسی ۱۷ با نشان دادن تل خاکی که به طرزی ناشیانه وسط خیابان ریخته شده است، می گوید: در بارندگی یکی دو روز قبل، جلو خانه ما پر از آب باران شده بود و حتی آب تا داخل خانه ما هم آمد. بعد از کلی، زنگ زدن و پیگیری، شهرداری روز بعد، این دو ماشین خاک را آورد و جلو خانه ما ریخت. این شهروند با اشاره به خاکی بودن معبر و ضرورت آسفالت آن و ساخت جوی و جدول برای هدایت آب های سطحی و باران، می افزاید: با اولین بارندگی، این کپه خاک به منجلابی از گل ولای تبدیل می شود و مشکلات ما را بیشتر می کند.

● طرح ناتمام ساخت جدول آب های سطحی

همراه اهالی، مسیر کانال کوچه ملاصدرا را تا انتهای طی می کنیم. آب های سطحی به داخل زمینی در کنار باره تاریخی شهر توس وارد شده و وضعیت نامناسبی ایجاد کرده است. مجید آراسته، یکی از همراهان ما، با اشاره به گرم شدن هوا و احتمال شیوع بیماری های عفونی می گوید: این گل ولای با بوی تعفن شدیدی که ایجاد می کند، در فاصله چند متری از خانه های مسکونی محله قرار دارد.

رئیس شورای اجتماعی محله فردوسی می افزاید: چند بار از شهرداری خواستیم با کشیدن کانال و هدایت آب های سطحی به خارج از محله، به این وضعیت پایان دهد. از جدول کشی ها و آسفالتی که شهرداری در برخی معاير انجام داد و رئیس ناحیه پیگیری کرد، قدردانی می کنیم، اما باید برای این مشکل و آب های

پاکیزگی شهر، اولویت اهالی

حسین برادران فرا شهردار منطقه ۱۲، هفته گذشته در دومین جلسه امسال برای پاسخگویی به مطالبات مردمی، در مرکز ارتباطات مردمی ۱۳۷ حاضر شد. مهدی خداشناس در این برنامه درخواست های مردمی در حوزه های مختلف را شنید و درباره پیگیری و رفع موارد مختلف به شهروندان پاسخ داد.



حوزه شهرسازی

دو شهروند طی تماس با شهردار منطقه ۱۲، گزارش هایی درباره تخلفات ساختمانی در امیریه ۶ و الهیه ۲۴ مطرح کردند.

تعداد پیام های مردمی

۲۴ تماس

حوزه فضای سبز

در حوزه فضای سبز سه درخواست از سوی شهروندان مطرح شد که شامل پیگیری تغییر کاربری بوستان جنگلی ارغوان در امیریه ۶، ایجاد پارک خطی در حاشیه بولوار مهدیه و تکمیل طرح فضای سبز رحمانیه ۳۶ بود.

حوزه فنی و عمران

آسفالت کردن خیابان شاهنامه ۶۹، تسریع در روند اجرای باغ راه بولوار شاهنامه و مرمت آسفالت تقاطع الهیه و سجاده سه درخواستی بود که شهروندان در این زمینه مطرح کردند.

حوزه حمل و نقل و ترافیک

اهالی منطقه ۱۲ چهار درخواست در زمینه حمل و نقل و ترافیک مطرح کردند. برخی از این تقاضاها شامل اصلاح هندسی در محدوده بوستان مینیا توری، ایمن سازی مسیر عابران پیاده برای پیگیری از ورود موتورسواران و اصلاح وضعیت سرعت گیرهای بولوار مهدیه بود.

حوزه خدمات شهری

شهروندان بیشترین تماس را درباره خدمات شهری داشتند و در این زمینه پنج درخواست مطرح شد. جمع آوری زباله از فضای اطراف مجتمع های انتهای بولوار سجاده، جمع آوری نخاله های ساختمانی از شاهنامه ۱۷ و برخورد با سگ گردانی در بوستان ها از جمله موارد شاخص بود.

شهرآرامحله پیگیری می کند

- شهرآرامحله ۱۲۰۱۱ در هفته های پیش رو دو درخواست شهروندان درباره چرایی تغییر کاربری بوستان جنگلی ارغوان و فعالیت مشاغل مزاحم در سجاده ۷۳ را پیگیری خواهد کرد.



فاطمه سیرجانی صدایش به بازیگری اش می‌چربد. دست‌کم در همان دقایق، وقتی قرار شد از خودش و سال‌های دور هنر بگوید، چندبار بی‌مقدمه، دهان به خواندن باز کرد و زیر آواز از همان آوازهایی که روزگاری با اجرایشان، شور و هیجان رایج سالن‌های نمایش می‌برد و تماشاگران را با خود همراه و هم‌صدای کرد. حسین رستمیان تودرباری، بازیگر و کارگردان محله شریف، از آن دسته آدم‌هایی است که انگار زندگی را با صحنه آغاز کرده است. خودش می‌گوید که از وقتی دست‌چپ و راستش را شناخته، دلش

با بازیگری و خوانندگی گره خورده است. او در نمایش‌هایی حضور داشته که در جشنواره‌های مختلف از جمله فجر، تقابل، فتح، معراج، رتبه اول استانی و کشوری رایج دست آورده است. تئاترهایی را کارگردانی کرده که رتبه اول کشوری کسب کرده‌اند. این هنرمند محله شریف سی سال از عمر و جوانی اش را در پایگاه‌های نیروی هوایی در حوزه تئاتر و نمایش گذرانده است. «مظلوم پنجم»، «سورنا، تفنگ معصوم من»، «شبیخون»، «شب باشب تاسیاوش» و... بعضی از اجراهایی است که برای او افتخار آفریده‌اند. اما شاید زیباترین بخش ماجرا این باشد که امروز، او

از پایین خیابان تاج‌شواره فجر

روی میز گوشه پذیرایی پر است از قاب عکس‌ها و تندیس‌هایی که به مناسبت‌های مختلف به این هنرمند محله شریف اهدا شده است. آلبوم عکس و مجلاتی نیز که هر کدام دنیایی خاتره در خود دارد، روی میز جلو مبلی را پر کرده است. او مجله‌ای قدیمی «نمایش» را برمی‌دارد و در حالی که به عکس روی آن اشاره می‌کند، می‌گوید: این تصویر نمایش نامه‌ای است که در دومین جشنواره فجر، رتبه برتر رایج دست آورد.

رستمیان، هنر بازیگری را از سال ۱۳۴۶ آغاز کرد. اما از سال ۵۷ با پیوستن به نیروی هوایی رسماً کارش در این ارگان با تئاتر شروع شد. او تعریف می‌کند: رضا صابری از کارگردانان خوبی است که اوایل پیروزی انقلاب اسلامی، برایمان در سالن پایگاه نیروی هوایی مشهد کلاس برگزار می‌کرد.

نمایش «مظلوم پنجم» با مضمون جنگی به کارگردانی صابری به قدری قوی بود که رتبه برتر دومین جشنواره فجر را در سال ۱۳۶۲ کسب کرد. رستمیان ادامه می‌دهد: اهمیت نشان دادن فضای جبهه و جنگ و تأثیرش روی مردم چنان بود که آقای بروجردی، داماد امام خمینی (ره) و دختر ایشان برای دیدن نمایش ما آمدند. خاطرم هست دختر رهبری در جای جای این نمایش اشک ریخت. این نشان دهنده قدرت تأثیرگذاری نقش‌ها و بازی خوب بچه‌ها و البته فیلم نامه قوی بود. نمایش ما تنها نمایشی بود که در آن جشنواره، دوبار در تالار وحدت به روی صحنه رفت. یک بار برای رقابت نمایش داده شد و دومین بار در مراسم اختتامیه که خیلی از دولتمردان و سیاست‌مداران به تماشا آمده بودند. مظلوم پنجم، نخستین اجرای جشنواره‌ای بود که در تالارهای نمایش شهرهای مختلف بارها به اجرا درآمد.



کودکی که وسط مجلس آواز می‌خواند

چهره‌ای بشاش و خنده‌رو دارد. متولد ۱۳۳۱ است، اما سرزندگی و شوخ طبعی اش دست‌کم ۱۰ سال جوان‌تر نشانش می‌دهد. خودش می‌گوید: از وقتی دست‌چپ و راستم را شناختم، عاشق بازیگری و خوانندگی بودم؛ آن‌هم در خانه‌ای که نه تلویزیون داشت و نه ماسینما و تئاتر به خود دیده بودیم. مرور خاطرات گذشته، اورامی برده به سال‌های کودکی، آن روزها که با تشویق مادر، مشق خوانندگی می‌کرد؛ «پنج‌شش ساله که بودم، آهنگ خواننده‌ها را از برمی‌کردم و در خانه می‌زدم زیر آواز. هر وقت با مادرم به مجلسی می‌رفتم، من را وسط جمعیت می‌فرستاد تا مجلس گرمی کنم. همان تشویق‌ها بود که به دلم نشست و هلم داد سمت بازیگری.»

او بزرگ شده پایین خیابان، کوچه پیرپالان دوز است؛ جایی که هنوز خاطرات شب‌های نیمه‌شعبان در ذهنش زنده است. از کاروان سربازی در حوالی خانه‌شان می‌گوید که آن شب‌ها، باتوق بازیگران محله و برپایی نمایش‌های طنز می‌شد؛ چند روز مانده به نیمه شعبان، کاروان سارا تمیز می‌کردند. از شب میلاد تا سه شب، جشن و نمایش طنز برقرار بود. آن زمان به بازیگران طنز «موسیک» می‌گفتند. من اصغر میرخدیوی و اصغر قفقازی را که از موسیک‌های معروف آن دوران بودند، یادم هست. یکی از تماشاگرهای پروپاقرص آن شب هامن بودم.

در حالی که لبخند کم‌رنگی به لب دارد، ادامه می‌دهد: در کوچه‌مان هم، راننده کامیونی به نام «آق غلام» بود که هر جامی رفت، بازار خنده و قهقهه به پامی کرد.

شاید همان خنده‌ها و نمایش‌های محلی، نخستین جرقه‌های هنر را در دل پسری روشن کرد که بعدها عمرش را روی صحنه گذراند.

نمایشی که آمار اعزام به جبهه را تغییر داد

اوج فعالیت هنری رستمیان به دوران جنگ تحمیلی عراق علیه ایران برمی‌گردد؛ زمانی که تئاتر در خدمت روحیه بخشی بود. نمایش «طلائی» قدیم، یکی از آثار مهم آن سال‌ها بود؛ نمایشی درباره پاسگاهی در محاصره دشمن که مدافعانش تا آخرین قطره خون مقاومت می‌کنند. این نمایش نخستین اجرای جدی این هنرمند است که بارها از شبکه سراسری پخش شد. او درباره این نمایش تعریف می‌کند: طلائی قدیم نام پاسگاهی بود متعلق به برادران ارتشی. در زمان جنگ، این پاسگاه به محاصره دشمن عراقی

درآمد. آن‌هایی که در پاسگاه بودند، هم قسم شدند تا آخرین قطره خون از آنجا محافظت کنند. نمایش با شهادت و فداکاری همه کسانی که در پاسگاه بودند، پایان می‌یابد. رستمیان خاطره‌ای به یادماندنی از اجرای این نمایش که فیلم نامه آن را ایرج سماوات نوشته بود، برایمان تعریف می‌کند: به ما گفته بودند درصد افراد اعزامی به جبهه از شهرستان کلات نادر انگشت شمار است. قرار شد ما به آنجا برویم و در مسجد یکی دو هفته قصه از جان‌گذشتگی بچه‌های طلائی را به نمایش بگذاریم. دکور نمایش شامل سنگر، تیربار، ادوات جنگی و به طور کلی فضای جبهه در مسجد ساخته شد.

بچه‌ها هم لباس رزمندگان ایرانی و عراقی را پوشیدند و تمرین شروع شد. روز دوم تمرین بودیم که ناگهان میانه‌مردی وارد شد و با دیدن ما شروع کرد به داد و هوار که «آی مردم! کجایی؟ بیایید که عراقی‌ها به مسجد حمله کرده‌اند!» آن بنده خدا خادم مسجد بود که رفته بود به شهر و از اجرای آمدن ما بی‌خبر بود. او تنها کسی بود که ده شب نشست پای این نمایش و هر وقت به سرودی که من می‌خواندم، می‌رسید، مثل ابر بهار اشک می‌ریخت و گریه می‌کرد. من سرود «کجایی» ای شهیدان خدایی... را می‌خواندم. بعد از اجرای آن نمایش، آمار اعزامی‌های روستا به جبهه از دوسه نفر به بیش از پنجاه نفر رسید.

روایت زندگی حسین رستمیان تودرباری از امیدبخشی در جبهه تا شاد کردن سا

هنرمندی که بازنشسته نشد



نمایشی بی کلام که اول شد

از عکس ها که می گذرد، یاد جشنواره، تقابل، می افتد. زمانی که در پایگاه نیروی هوایی بابل سر مسئول تئاتر بود. نمایشی که برای این جشنواره آماده کردند. «خون آشام» نام داشت. اجرایی یک ساعته، بدون حتی یک کلمه دیالوگ. او که در این تئاتر، علاوه بر بازیگری، کارگردان هم بوده است، تعریف می کند: آن زمان مسئول تئاتر پایگاه نیروی هوایی بابل سر بودم. نمایشی که ما برای این جشنواره آماده کرده بودیم «خون آشام» نام داشت. این نمایش یک ساعته بدون کلام بود. داورها همه مانده بودند که چطور با حرکات و موسیقی، مفاهیم کنار هم چیده و منتقل می شود. در آن نمایش، برخلاف دیگر نمایش ها که موزیسین جایش گوشه سن بود، روی بالکن و پشت به تماشاگران نشسته بود. با این کار تمام حواس تماشاگر را به بازی باز میگرداند. موضوع آن نمایش نقش شیطان در زندگی بشر بود. جایی شیطان در لباس کشور انگلیس و برهه ای در کسوت مردمان آمریکا ظاهر می شود و هر شیطان، شیطانک هایی داشت برای فریب مردم به خصوص جوان ترها. آن زمان ویدئوهای مایکل جکسون روی افکار نوجوانان و جوانان ماثثیر مخربی داشت. در آن نمایش، نقش شیطانک مایکل جکسون را سر بازی عهده دار بود که فرزند ووزیباتر از خود مایکل اجرا می کرد.

نمایش خون آشام توانست در جشنواره تقابل به خاطر انتقال مفاهیم، بدون استفاده از حتی یک کلمه، مقام اول را کسب کند؛ این نمایش خاطره ساز برای رستمیان، تندیس وهدیه جشنواره را به ارمغان آورد که آن را از دست سردار شهید منصور ستاری، فرمانده کل نیروی هوایی در آن زمان، دریافت کرد.



نمایش طلایه قدیم، نوشته ایرج سماوات به کارگردانی حسین رستمیان که بارها از شبکه سراسری پخش شد



نمایش مظلوم پنجم نخستین نمایش جشنواره ای که مقام اول را کسب کرد

شوخی، شوخی؛ با ادوات جنگی هم شوخی؟

رستمیان که سی سال خدمتش را در نیروی هوایی گذرانده است، یکی دو سال اول استخدام، در نیروی هوایی مشهد خدمت می کرده و بعد به شهرهای دیگر منتقل شده است. او از فعالیتش در پایگاه های نیروی هوایی آشنایان و بابل سر می گوید که مسئولیت بخش تئاتر و نمایش این پایگاه ها را بر عهده داشته است. او در کنار تربیت هنرمندان و کارگردانی، گاه برای حضور در جبهه های جنگ، امریه می شد و باید با تیمی هنری برای اجرای نمایش های روحیه بخش و طنز به جبهه می رفتند. رستمیان تعریف می کند: آن زمان مثل الان نبود که همه گوشی به دست، خاطرات را ثبت و ضبط می کنند. یک دوربین یا شیکا با فیلم دوازده یا بیست و چهار تایی داشتیم که چند عکس یادگاری با آن گرفته می شد. سنگرها تقریباً یک متر زیر زمین بود که دور تادورش با کیسه گونی پر از شن دیوار شده بود. در چنین فضای خفانی، ما برای روحیه دادن به رزمندگان نمایش طنز اجرا می کردیم. یکی از خاطراتم از آن حضورها به روزی برمی گردد که برای هواخوری به بیرون سنگر رفته بودم. همین طور دور و بر پرسه می زدم که چشمم به ادوات جنگی افتاد که گوشه ای تلنبار شده بود. به آن سمت رفتم و چند پوکه را که روی زمین افتاده بود، برداشتم و شروع کردم با آن ها بازی کردن. یک دفعه یکی از بچه های نیروی زمینی فریاد زد «آنجا چکار می کنی! هر چه دست است، بینداز زمین و بیا این طرف». چون فعالیت مادر نیروی هوایی، بخش هنر و تئاتر بود، یک درصد هم تصور نمی کردم آن ادوات ممکن است عمل کند و خطرناک باشد. خلاصه که تجربه خوبی بود تا در مناطق جنگی چیزی را به شوخی نگیریم.

بازنشستگی از نیروی هوایی، نه از هنر

دیگری بازی می کند؛ بخشیدن لبخند، امید و خاطره به دل هایی که هنوز بایک آواز، جان می گیرند.

و برایشان برنامه های شاد و امید بخش اجرا می کنیم. از خاطرات خوش این هنرمند مردمی، اجرای سرود «ای ایران» در آغاز هر برنامه است. او تعریف می کند: انتخاب این سرود به دلیل عرق ایرانی ها به وطن و حماسی بودنش است که همه را به وجد می آورد. جالب این است که بعضی وقت ها دقت می کنم و می بینم پیرمرد و پیرزن هایی که بیمار و بی حال روی صندلی نشسته اند، با بلند شدن صدای موزیک ای ایران و آواز گرفتن صدایم، کم کم هم نوا می شوند و می ایستند و با مشت گره کرده روی سینه، با من همراهی می کنند. و شاید همین تصویر، خلاصه زندگی حسین رستمیان تودرباری باشد. مردی که سال ها روی صحنه نقش گرفت، اما حالا در سال های پختگی، نقش

«سورنا، تفنگ معصوم من»، «خون آشام»، «طلایه قدیم»، «شب با شب تا سیاوش» و... افتخارات کشوری حسین رستمیان تودرباری در هنر بازیگری و کارگردانی در طول سی سال خدمت در نیروی هوایی است. او سال ۸۵ از نیروی هوایی بازنشسته شد، اما از دنیای بازیگری نه. رستمیان بعد از بازنشستگی با چند نفر از هنرمندان هم دوره اش، گروه تئاتری به نام «پرستو» راه اندازی کردند. در این باره می گوید: آن زمان هنوز تئاتر شهر ساخته نشده بود. سالن تئاتری در محله طلاب بود به نام هاشمی نژاد که ما برای اجرا گاه به آنجا و گاه به سالن تئاتر ساختمان هلال احمر می رفتیم. بعد از چند سال، آن گروه تئاتر منحل شد و من تصمیم گرفتم در سرای سالمندان و مراکز نگهداری معلولان و جانبازان به اجرا بپردازم. با تعدادی از دوستان همدل، گروهی تشکیل دادیم با عنوان «آیین دوستی». همراه گروه در ماه، چند نوبت به سراغ سالمندان عزیز می رویم

بازیگر پیشکسوت مشهوری

هرگز



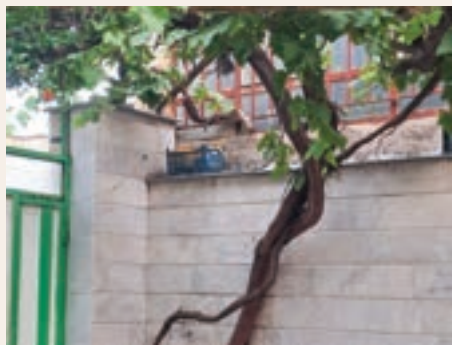


مرتضی عاقل از خاطرات کودکی اش در محله جاهد شهر و بازی فوتبال روی آسفالت داغ می گوید

وقتی معبر ۲ متری تنها ورزشگاه محله بود

ایستگاه
اول

حسین برادران فراسه دهه قبل همراه خانواده و پدری که از جهادگران جهاد سازندگی بود، در محدوده بی آب و علفی که حالا جزو منطقه ۱۲ است، ساکن شدند. بعدها به این دلیل که بیشتر ساکنان اولیه این محدوده، جهادگران جهاد سازندگی بودند، این محله به «جاهد شهر» معروف شد. مرتضی که نوجوانی خود را با فوتبال در کوچه های خاکی این محله گذرانده، در طول چند دهه، شاهد تحولات و تغییرات عمده محله بوده است. همراه با او، خاطرات آن سال ها را مرور می کنیم.



ما جزو اولین خانواده هایی بودیم که در این محله و در معبر جاهد ۵ ساکن شدیم. جاهد ۵ آن زمان به نام «بیست و چهارمتری» معروف بود و خانه مادر همین محدوده قرار داشت. من و پدر و برادرم با کمک هم دیوارهای حیاط را بالا بردیم. بعد از آن، من و برادرم، نهال انگوری را، با دست خودمان در حیاط کاشتیم.

سی سال قبل که هنوز محله جاهد شهر شکل نگرفته بود، بچه ها در زمین های خاکی اطراف فوتبال بازی می کردند تا زمانی که اولین خیابان محله یعنی همین خیابان بیست و چهارمتری را آسفالت کردند و به اولین زمین ورزشی ماتبدیل شد. بچه ها شب و روز در آن مشغول بازی بودند.

ایستگاه
دوم

ایستگاه
سوم

ایستگاه
چهارم

اولین سوپری جاهد شهر، کانکسی بود که در کنار بنای فعلی مسجد محله قرار داشت و اجناس «شرکت تعاونی مصرف جهاد سازندگی» را می فروخت. در بازی فوتبال، تیم بازنده همیشه باید تیم برنده را به نوشابه میهمان می کرد. بچه ها بعد از بازی خودشان را به کانکس سوپری که حالا مخروبه شده است می رساندند.



ایستگاه
پنجم

سنگ بنای مسجد امام خمینی (ره)، تنها مسجد محله جاهد شهر، بیش از دود دهه قبل با مشارکت مردم محله که بیشتر جهادگران جهاد سازندگی بودند، گذاشته شد. بتن ریزی پی مسجد بایبل و فرغون انجام می شد و ما بچه ها چون زورمان نمی رسید، دوسه نفری فرغون سیمان را حمل می کردیم.



منازل قدیمی محله جاهد شهر بیشتر یک طبقه و شخصی ساز هستند و نخستین مجتمع سازمانی ساخته شده در این محله را سازمان منابع طبیعی برای کارمندان ساخت. ساختمان های این مجتمع مسکونی در چهار طبقه ساخته شده بود.

دکتر محمد باقر گلکار اولین پزشک محله جاهد شهر بود که به مدت ۲۱ سال در این محله به عنوان پزشک عمومی فعالیت می کرد. یاد ماست پدر بزرگم دست هایش سوخته بود و پزشکان متخصص گفته بودند که انگشتانش باید قطع شود اما دکتر با چند دارو، دست پدر بزرگ را معالجه کرد.



عکس: حسین برادران / شهرآرامش



ایستگاه
ششم



مکان نما

درختان بوستان سیدرضی به دست قدیمی‌های محله کاشته شده است

«مینا»، یادگاری از گذشته

فاطمه سیرجانی | مردمی توجه به دور و اطراف، صدایش را رها کرده و مشغول خواندن تصنیفی زیبا از استاد شهرام ناظری است. هفتادارد کرده و صدایش هنوز گیر او دل نشین است. مردان دور و اطراف گوش به خواندنش سپرده‌اند و گاه با کلامی، او را به ادامه خواندن تشویق می‌کنند.

میانه بوستان مینای محله سیدرضی، پاتوق مردهایی است که بعد از بازنشستگی، این گوشه از بوستان را به جای خانه نشینی انتخاب کرده‌اند؛ بوستانی که به گفته خودشان تادهه ۷۰ بیابانی پیش نبود و بعد از کش و قوس‌ها ویستی و بلندی‌های فراوان بالاخره درخت‌هایش به دست خود اهالی کاشته و آبیاری شد.

● درخت‌ها را خودمان کاشتیم

علی هنری، یکی از ساکنان قدیمی محله و همسایه این بوستان، تعریف می‌کند: زمانی که ما در این محله زمینی خریدیم، روی نقشه نشانمان دادند که قرار است نزدیک خانه مان بوستانی محلی احداث شود، اما روزی که آمدند و چند درخت کاشتند، یکی از ساکنان ما اعلام کرد که زمین متعلق به آن ساکنان است و قرار نیست فضای سبزی ایجاد شود.

این قدیمی محله ادامه می‌دهد: آن زمان یعنی اوایل دهه ۷۰ اینجا آب و برق نداشت و ما اهالی پیگیر ماجرا شدیم. درخت‌ها را خودمان کاشتیم و هر روز چند تا از همسایه‌ها نوبتی مسئول آبیاری آن‌ها شدند.

خانواده‌ها، چند ساعت در روز، زنبیل و زیرانداز به دست، به همان زمین‌های خاکی نهال‌کاری شده می‌آمدند، بساط صبحانه و عصرانه را پهن می‌کردند و مراقب بودند کسی به نهال‌های تازه کاشته شده صدمه نزند. بعدها این زمین تبدیل به بوستان شد.

● پاتوق ورزشی جوانان محله

بوستان مینا، حد فاصل دانش‌آموز ۳۳ و ۳۵ در محله سیدرضی قرار دارد. این بوستان که در سال ۸۲



احداث شده است، حدود ۶ هزار و ۷۳۰ متر مربع مساحت دارد. از ظرفیت‌های خوب این بوستان، مجهز بودن به تجهیزات ورزشی و وسایل بازی کودکان و سرویس بهداشتی است. محمد رضایی که به همراه صادق دوستی، هم‌کلاسی‌اش، به بوستان مینا آمده است، می‌گوید: وجود دو میز پینگ‌پنگ از امتیازات بسیار خوب این بوستان برای ما جوان‌هاست.

او که هر روز غروب با دوستانش برای پینگ‌پنگ به اینجا می‌آید، ادامه می‌دهد: هوای خوب و سرسبزی اینجا، فرصت خوبی برای دورهمی دوستانه است، به خصوص که امکانات بازی مورد علاقه ما جوانان، یعنی میزهای پینگ‌پنگ جانمایی شده است و غروب‌ها بیشتر وقتمان را اینجا می‌گذرانیم.

● دورهمی به وقت توت‌خوری

زهرآگل‌بگیر، محلی و خانوادگی بودن این بوستان را ویژگی مثبت آن برمی‌شمرد و می‌گوید: من از وقتی بچه بودم و درخت‌های اینجا نهال بود و هنوز هیچ امکاناتی نداشت، به اینجا می‌آمدم. الان هم که دو تانوه دارم، آن‌ها را برای بازی به همین بوستان می‌آورم. اواز درختان توت و شاه‌توتی می‌گوید که به دست پدرش و یکی دو همسایه دیگر کاشته شده است؛ «تا وقتی پدرم زنده بود، یک چادر بزرگ داشتیم و هر سال برای توت‌تکانی با همه همسایه‌ها توی بوستان دور هم جمع می‌شدیم. هم بساط چای عصرانه و هم توت‌تکانی برپا بود. الان هم گاهی به یاد قدیم دورهمی داریم، اما دیگر صفای گذشته را ندارد.»

نوجوان محله فردوسی، در ژیمناستیک و کیک بوکسینگ صاحب عنوان است

ظرافت و نظم در کنار قدرت و هیجان



● کدام لحظات در ژیمناستیک برای‌ماندگارتر بوده است؟

موفقیت‌ها و مدال گرفتن برایم خاطره خاص خودش را دارد اما در زمان موفقیت هم بیشتر به تمرین‌هایم فکر می‌کنم و سختی‌هایی که کشیده‌ام، برایم ماندگارتر است.

● چه شد که به سمت کیک بوکسینگ هم رفتی؟

احساس کردم دوست دارم یک رشته رزمی هم یاد بگیرم و کیک بوکسینگ برایم جذاب‌تر بود؛ چون هم قدرت می‌خواهد و هم تمرکز.

● فعالیت هم‌زمان در دو رشته سخت نیست؟

خیلی سخت است اما اگر فرد هدف داشته باشد و

ریحانه فرخانی | بیشتر از اینکه موفقیت‌هایش را متعلق به خودش بداند، آن‌ها را سهم تویس و محله فردوسی می‌داند. لذت می‌برد وقتی نام این محدوده بر سر زبان بیفتد. وقتی با زینب اکرمی صحبت می‌کنیم، دختر ورزشکاری پیش روی ماست که ورزش را با هدف افتخار آفرینی برای محله‌اش برگزیده است. او یازده سال دارد و در همین سن کم، موفقیت در دو رشته سخت ژیمناستیک و کیک بوکسینگ را تجربه کرده و مسیر افتخار آفرینی را یافته است.

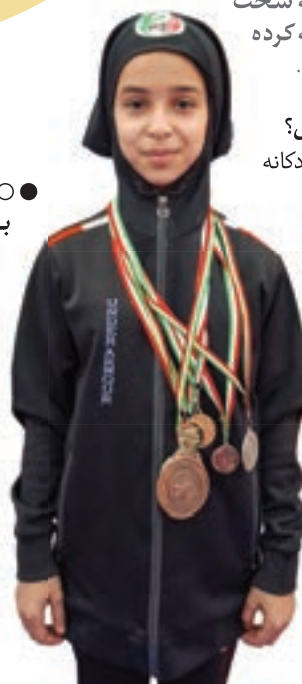
● از چه زمانی ورزش را شروع کردی؟ از سه چهار سالگی ورزش را با تمرین‌های کودکانه و بازی شروع کردم.

● چه شد که ژیمناستیک را برای شروع انتخاب کردی؟

خودم یاد نمی‌دانم ولی خانواده‌ام وقتی من را در باشگاه ژیمناستیک گذاشته بودند، متوجه شده بودند هنگام ورزش خوشحال هستم و فهمیده بودند به این رشته علاقه دارم.

● در ژیمناستیک چه افتخاراتی کسب کرده‌ای؟

تاکنون چند قهرمانی در رده نونهالان در حرکات زمینی در سطح ناحیه و استان خراسان رضوی کسب کرده‌ام و امیدواره تعداد این مقام‌ها بیشتر هم شود.



برنامه ریزی درستی انجام دهد، می‌تواند در چند مسیر هم زمان پیشرفت کند.

● در کیک بوکسینگ چه افتخاراتی کسب کرده‌ای؟

یک مقام استانی و یک مقام کشوری نونهالان را در دو سال اخیر کسب کرده‌ام که برای شروع مسیرم خیلی انگیزه بخش بوده است.

● الان در چه سطحی از این ورزش هستی؟

من کمر بند آبی کیک بوکسینگ دارم و همچنان مشغول تمرین برای پیشرفت بیشتر هستم.

● ژیمناستیک را بیشتر دوست داری یا کیک بوکسینگ؟

هر دو را دوست دارم، چون هر کدام از آن‌ها ویژگی‌های خاص خودشان را دارند. ژیمناستیک برایم ظرافت و نظم دارد و کیک بوکسینگ قدرت و هیجان.

● موفقیت‌هایت حاصل استعداد بوده است یا تلاش؟

به نظرم تلاش از استعداد مهم‌تر است. استعداد کمک می‌کند، اما بدون تمرین و پشتکار هیچ نتیجه‌ای به دست نمی‌آید.

● خودت را در یک جمله معرفی کن؟

اهل روستای دوست‌آباد و مقیم محله فردوسی هستم که با تلاش، ورزش را به بخشی مهم از زندگی‌ام تبدیل کرده‌ام.

● آینده ورزشی خودت را چطور می‌بینی؟

دوست دارم در هر دو رشته پیشرفت کنم و مقام‌های بیشتری به دست بیاورم. هدفم این است که روز به روز بهتر شوم و برای توس افتخار آفرینی کنم.



مسجد امام رضا (ع) اولین بنای ساخته شده در این خیابان است. بر اساس سنگ نوشته نصب شده در جلو بنا، ساخت این مسجد به دستور معاونت وزیر مسکن و شهرسازی در سال ۱۳۸۳ آغاز شد و توسط سازمان مسکن و شهرسازی خراسان رضوی در سال ۱۳۸۴ به بهره‌برداری رسید.

دانشکده تربیت مدرس قرآن مشهد، یکی از پروژه‌های در حال ساخت در خیابان اقدسیه ۴۲ است. این دانشکده که توسط وزارت علوم ساخته می‌شود، در آینده در تربیت مدرس قرآن، نقش مهمی خواهد داشت.



خیابانی بدون بافت مسکونی

حسین برداردان فرا خیابان اقدسیه ۴۲ در محله نقویه قرار دارد و یکی از ویژگی‌های منحصر به فردش این است که از ابتدا تا انتهای آن، هیچ مجتمع یا خانه ویلایی ساخته نشده است. زمین‌های این خیابان به سازمان‌های دولتی مختلف تعلق دارد و بخشی از این زمین‌ها ملک شهرداری است. در طول سال‌ها این سازمان‌ها به تبع نیاز منطقه و محله، مراکز عمومی و خدماتی را برای ارتقای زندگی شهروندان منطقه تأسیس کردند.

۱۲

خیابان اقدسیه ۴۲
محله نقویه



بخش بزرگی از حاشیه این خیابان به پروژه ساخت استخر شهدای شهرداری اختصاص یافته است. در این پروژه، علاوه بر استخر، مجموعه ورزشی نیز پیش‌بینی شده است. با تکمیل این مجموعه، بخش مهمی از نیازهای ورزشی شهروندان منطقه تأمین خواهد شد.

تنها فروشگاه شهر ما در محدوده الهیه و محلات اطراف در این خیابان قرار دارد. این فروشگاه بزرگ در تأمین اقلام و مایحتاج شهروندان ساکن در این محدوده، نقش بسیار مهمی دارد. بخشی از مشتری‌های فروشگاه، کارکنان و نیروهای شهرداری مشهد هستند.



مسجد امام رضا (ع) در کنار فعالیت‌های فرهنگی و مذهبی مختلفی که دارد در حوزه اجتماعی و رفع مشکلات محلی نیز فعال است. فعالیت دفتر و دبیرخانه شورای اجتماعی محله الهیه در این مسجد، گویای نقش اجتماعی آن است.